

یک باغ، دو حمام و چهار مغازه وقفی مسجد «معتمد» ناپدید شده است و دیگر خبری از درآمدهایشان نیست

# موقوفه‌های گم شده!

۳

ضمیمه رایگان روزنامه شهرآرا  
شماره روزنامه ۳۷۷۶  
پنجشنبه ۱۴ مهر ۱۴۰۱  
شماره ضمیمه مجله ۴۷۸  
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرا مجله از  
shahraraneews.ir

Mashhadchehreh.ir  
شهریار  
@Mashhad.Chehreh

## آماده سازی صحن انقلاب تاسفند

تعویض سنگ فرش های صحن انقلاب اسلامی که از خرداد امسال آغاز شده بود، پس از مدتی وقفه دوباره آغاز شد. به دنبال این ضلع جنوبی این صحن از چند روز پیش بسته شد. طبق اعلام آستان قدس رضوی، بازه زمانی تکمیل مرحله دوم پروژه تاسفند امسال پیش بینی شده است.



## خوش حسابی ۴۱۲ واحد صنفی پرزباله

طبق قانون شهرداری، همه صنوف به پرداخت مبلغ جمع آوری زباله شهرداری منطقه محل کسبشان موظف هستند. بر همین اساس در منطقه ثامن بیش از هزار و ۷۰۰ واحد صنفی وجود دارد که برای آن‌ها این موضوع تعریف شده است. آن طور که روابط عمومی شهرداری منطقه ثامن به خبرنگار شهرآرا مجله گفت، شهرداری منطقه ثامن با ۴۱۲ واحد صنفی پرزباله قرارداد امضا کرده است و آن‌ها براساس این قرارداد شامل ۲۰ تا ۳۰ درصد تخفیف شده‌اند. به دنبال این موضوع در شش ماه ابتدایی امسال این صنوف پرزباله که بیشترشان هتل، مهمان پذیر و رستوران هستند، مبلغی بیش از ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان را طبق قرارداد پرداخت کردند.



مزامحت يك شغل خطر آفرين در حريم امن حرم امام رضا (ع)

## ترس؛ سوغات چاقو فروش ها برای زائران



عکس تزیینی است

## ● گشت های طبری و نوغان بیشتر شدند

معاون خدمات شهری منطقه ثامن به نکته دیگری نیز اشاره می کند که به جمع تخلفات افراد چاقو فروش اضافه می شود؛ چاقو فروش ها وانگشتر فروش ها افزون بر سدمعبر، جنس تقلبی نیز به دست زائران حضرت رضا (ع) می دهند که این نیز تخلف محسوب می شود.

مراد بیان از همکاری خوب نیروهای انتظامی مستقر در منطقه و کلانتری هانیز تشکر می کند و می گوید: افرادی که توسط نیروهای سدمعبر جمع آوری می شوند، پس از تحویل به نیروهای انتظامی به دادسرا معرفی می شوند.

مراد بیان ضمن درخواست همکاری مردم برای اطلاع دادن از حضور چاقو فروش ها ادامه می دهد: همکاران ماشبانه روز در منطقه حضور دارند و تعداد گشتی هادر محدوده نوغان و طبری با توجه به درخواست های مردمی بیشتر شده است.

به دست زائران می دهند اصلا کیفیت ندارد؛ ولی آن را با قیمت یک چاقوی خوب به آن ها می دهند.

## ● ضط و جمع آوری ۱۰۰۰ چاقو

معاون خدمات شهری شهرداری منطقه ثامن ابتدا به قانون سدمعبر در شهرداری ها اشاره و حضور دست فروش ها و باسطی هادر اطراف حرم امصادق تخلف معرفی می کند. عباس مراد بیان مقدم ادامه می دهد: مادر منطقه ثامن ۷۲ نیرو در حوزه سدمعبر داریم که شبانه روزی در حال فعالیت هستند و بافت پیرامون حرم را پوشش می دهند.

او با اشاره به اینکه منطقه ثامن با توجه به حضور زائر بستر مناسبی برای مشاغل کاذب است، آماری نیز در این باره ارائه می کند: در منطقه ثامن، در ۶ ماه گذشته ۱۹۸۷ دست فروش تحویل مراجع قضایی شده اند که از این میان ۳۶۸ نفر چاقو فروش بوده اند و ۹۳۱ عدد چاقو ضبط شده است.

نمی کند. شاید هم امنیت را از این خانواده در تاریکی شب هست که چاقو فروش ها آمدن و اینجا دارن چاقو می فروشن! این پیام را که یکی از کسبه خیابان طبری برای ما ارسال کرده، حاوی معضلی است که سال ها گریبان منطقه ثامن را گرفته است و انگار به همین راحتی قرار نیست آن را رها کند. در محدوده اطراف حرم مطهر بیشترین تردد زائران اتفاق می افتد. کسانی که از شهر و دیار خودشان دور شده اند و به دنبال خرید سوغاتی در شهر مقصد هستند، می توانند بهترین طعمه برای سودجویان و دست فروشانی باشند که به این منطقه هجوم می آورند. چاقو فروش ها نیز گروهی هستند که برخلاف دیگران خیلی هم بی درد سربیه نظر نمی رسند! این گزارش معضل چاقو فروشان اطراف حرم را برررسی می کند و به دنبال پاسخی برای آن می گردد.

## ● چاقو فروشی و چند معضل!

شب از نیمه گذشته است که خانواده ای قصد زیارت می کنند. باید از کوچه پس کوچه های طبری بگذرند تا خودشان را به صحن و سرای حضرت برسانند. یک مرد، یک زن و دو کودک راهی حرم هستند که یک پسر با ظاهری خاص جلوییشان ظاهر می شود. در دستش چند چاقو است که می خواهد با هر ترفندی آن ها را به این زائران بفروشد. چاقو فروش، زائران بیچاره را رها

روایتی از گذشته خیابان خسروی نو و مسجد معروف آن به نام ملا حیدر

## خانه ای که مسجد شد



## ● ماجرای سنگ قبر مسجد

در طبقه زیرین مسجد سنگ قبری وجود دارد که مشخصات متوفی روی آن به نام «مرحوم اتحادیه، حک شده است. او نسبتی با ملا حیدر نداشت و آن طور که شنیده ام، خانه ای را دیوار به دیوار مسجد خرید. وصیت کرد پس از مرگش این خانه وقف مسجد شود و پیکرش را در این محل دفن کنند، اما آن زمان امکانات امروزی نبود. از این رو وقتی فوت کرد، با توجه به بعد مسافت از تبریز تا مشهد، خانواده اش او را همان جا به خاک سپردند و سنگ قبری که برای خودش آماده کرده بود، در این مسجد گذاشته شد که امروز از او به یادگار در مسجد است.

هم به بچه های محل که به درس و بحث علاقه داشتند، آموزش های مکتبی داده می شد. حدود یک قرن پیش فردی بود که عبا و عمامه می گذاشت، امار و حانی نبود. نامش ملا حیدر بود. ملا حیدر از دید ساکنان محدوده خسروی نو، رئیس مکتب خانه بود. کسوتش سواد آموزی و آموزش قرآن بود. اهالی محله که همت ملا حیدر را برای آگاه سازی بچه هایشان دیده بودند، تصمیم گرفتند از او قدر دانی کنند. شاید بهترین انتخاب، جاودانه کردن نامش بود. محلی که او در آنجا تدریس می کرد، خانه کوچکی بود که وقف مسجد بود. با حضور مداوم او این مسجد که قدمتش به بیش از دو دهه است سال پیش بازمی گشت، «ملا حیدر» نام گرفت.

دنیا آمد. خانه مادر همسایگی خانه پدر رهبر معظم انقلاب بود. بیست سالگی را پشت سر گذاشته بودم که شش سال با رهبر معظم انقلاب و برادرشان در دارالتعلیم دیانتی هم کلاس بودیم. در همان دوران جوانی کار را هم در کوچه های نزدیک خانه از خیابان خسروی نوشروع کردم. آن زمان خانه قدیمی و بسیار کوچکی در محله بود که همه آن را به نام مسجد ملا حیدر می شناختیم. وقتی شهرداری برای خیابان کشی خسروی نو دست به کار شد، حمام بزرگ جلو مسجد که «سالار بهادر» نام داشت، تخریب شد. به دنبال این بخشی از فضای مسجد در اثر این تغییر و تحول جزوی از خیابان شد و از دست رفت. همین ماجرا موجب شد فردی تهرانی الاصل بیاید و حیاط پشت مسجد را بخرد و وقف آن کند. این گونه شد که بار دیگر مساحتی به صحن مسجد اضافه شد. آن زمان با کمک تجار و زائرانی که از اصفهان و تهران به مشهد الرضا (ع) می آمدند و مسیر تشریفشان به حرم مطهر از این مسیر محدود بود، مسجد را این طور که می بینید، ساختیم.

زمان قدیم از مدرسه و درس آموزی به شیوه امروزی خبری نبود. سر هر محله ای مسجدی بنامی کردند که در آن هم نماز می خواندند و

سعی در ساجدی نیا اینجا پر از خانه باغ بود. خانواده هایی که می خواستند نزدیک ترین فاصله را از خانه تا حرم حضرت رضا (ع) داشته باشند، این نقطه را انتخاب می کردند. رفت و آمدها هم با درشکه انجام می شد.

فقط یک بازار در خسروی نو وجود داشت؛ نامش بازار «بزرگ» بود که آخرش به صحن حرم می رسید. بازار بزرگ در واقع امتداد بازار پارچه فروش ها به بازار سرشور کنونی بود. بعدها که خیابان کشی شد، بازار سرشور از دل بازار بزرگ بیرون آمد و تفکیک شد.

این جملات روایت مردی است که در کوچه های سرشور و خیابان خسروی نو کودکی کرده و در بزرگسالی هم کاسبی را در همین محدوده تجربه کرده است؛ کسی که بیش از شصت سال در مسجد ملا حیدر از هیچ خدمتی دریغ نکرده است. حاج علی امینیان، متولد ۱۳۱۴ در مشهد و از اعضای هیئت مدیره وستون اصلی این مسجد در گزارش پیش رو، از این خیابان و تنها مسجدش می گوید که به نام ملا حیدر تابلو خورده است.

## ● ملا حیدر چه کسی بود؟

در محله ای که پس از نوغان و سراب، قدیمی ترین محله مشهد است و سرشور می خوانندش به

یک باغ، دو حمام و چهار مغازه و قفی مسجد «معمتد» ناپدید شده است و دیگر خبری از درآمدهایشان نیست

## موقوفه‌های گم شده!

### معمتد، بنایی که تجدید شده است

مسجد و حسینیه معمتد عیدگاه حال و هوای سازه‌های قدیمی را ندارد. سنگ نوشته درون مسجد بنای اولیه آن را به پیش از ۱۲۶۵ قمری نسبت می‌دهد که در سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۶۵ خورشیدی بازسازی شده است. ساختمان کنونی مسجد و حسینیه که پیوندشان از قدیم ناگسستنی بوده است در هم تنیده تا در اوقات نماز و ایام عزاداری سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> به روی مردم باز شود. حاج جواد بامشکی که پدرش چندین سال مسئولیت امور این بنا را داشته است و اکنون خودش مشارکت فعال در نگهداری و گسترش این بنا دارد. دیوار پوشیده از عکس‌های هیبتی‌ها و بزرگان حسینیه را به مان‌شان می‌دهد. انگار هر کسی روزی در این حسینیه پای‌روضا امام حسین<sup>(ع)</sup> نشسته است. دوست داشته‌ردی از خود بر جای بگذارد و این آلبوم ایستاده بر دیوار ورودی، شامل همان کسانی است که منتظرند یکی یادشان کند.

سید مجید بامشکی، فرزند کوچک قمرخانم، نردومی است که هم گذشته موقوفه را به خاطر دارد و هم در امور اجرایی مسجد مشارکت می‌کند. او نیز مارا در این گزارش بیاری می‌رساند. این دو تن بیشترین تلاش را برای برپاداشتن مراسم و باز بودن در مسجد به روی نمازگزاران و بازسازی ساختمان آن دارند.

### وقف حاج مهدی خان معتمد الشریعه

در میان انبوه اسنادی که از مسجد و حسینیه بر جای مانده است، سندی نمی‌توان یافت که ما را به تاریخ ساخت آن رهنمون کند. این اسناد به همت حاج جواد گردآوری و از عربی به زبان فارسی برگردانده شده است. در بین این اسناد دو وقف نامه‌ای که از موقوفات مسجد باقی مانده است ما را به ۱۷۰ سال پیش می‌برد. همچنین سنگ نوشته‌ای که در ورودی حیاط حسینیه نصب شده، وقف نامه یک قطعه باغ در اراضی مزرعه تقی آباد (محدوده هفده شهریور) است. حاج جواد که زمان زیادی را صرف جمع‌آوری این اسناد کرده است، می‌گوید: «طبق اسناد، حاج مهدی خان معتمد الشریعه، سازنده مسجد است. ایشان درآمد باغش را وقف مسجد و نشانی این مکان را در وقف نامه‌اش ذکر کرده است. متولی‌اش را نیز امام جماعت مسجد

قرار داده و تا صد سال پیش اسناد آن موجود است که در آمد آن به مسجد می‌رسیده است. با بزرگ شدن شهر و نبود متولی پیگیر، آن موقوفه فروخته و عواید آن از دست مسجد خارج شده است.»  
حمام مردانه و زنانه از دیگر موقوفه‌هایی است که حاج مهدی خان معتمد الشریعه سازنده مسجد وقف آن کرده است. وقف نامه پارچه‌ای این حمام نیز از اسنادی است که قدمت موقوفه مسجد را اثبات می‌کند. سید مجید می‌گوید: «یک زمین دوهزار متری در همین محله بود که حمام در آن ساخته شده بود. حدود ۵۰ متر زیر بنا و مابقی آبریزگاه آن بود. حمام ابتدا به نام عیدگاه بود که بعدها به «گلستان» و «زرنگار» تغییر یافت و هجده سال پیش در نوسازی بافت حریم حرم تخریب شد.»

### وقف نامه حمام برای مسجد

حاج جواد از وقف نامه پارچه‌ای کپی گرفته است و آن را پیش روی ما بازمی‌کند. وقف نامه سال ۱۲۷۷ قمری با خط خوش نوشته شده و مهور به مهرهای قدیمی است. آدم‌هایی که پای این سند را امضا کرده‌اند چندین سال است که به خاک پیوسته‌اند، ولی امضاهایشان هنوز گواه این وقف است.  
حاج جواد بخشی از آن را برای مامی خواند و تفسیر می‌کند. درآمد حمام و زمین متصل به آن، وقف حسینیه و مسجد شده است. جایی گفته شده است که خانه واقف (معمتد الشریعه) جنب تکیه و مسجد بوده و در ورودی آن به درون حسینیه گشوده می‌شده است. ۱۰ درصد حق تولیت حمام در نظر گرفته شده است. سه تومان ناصرالدین شاه‌ی باید حق القلم به امام جماعت مسجد و دو تومان نیز به مؤذن و خادم پرداخت می‌شده است. بقیه درآمد صرف حصیر و روشنایی مسجد، روضه خوانی سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>، اطعام مؤمنین در ایام عاشورا و انعام ذاکران و مداحان می‌شده است. اگر درآمدی از حمام باقی می‌ماند نیز باید صرف افطاری در ماه مبارک رمضان و ذکر

### بامشکی‌های عیدگاه!

خاندان بامشکی‌ها در محله عیدگاه و نوغان بسیار معروف هستند و اگر در هر نقطه از شهر نامشان بیاید از تو می‌پرسند که از بامشکی‌های عیدگاهی یا نوغان؟ حاج جواد وقتی می‌خواهد خانواده‌اش را معرفی کند می‌گوید: بامشکی‌های شاخه حاج طاهر، داماد حاج مهدی خان معتمد الشریعه، گویا منزل معتمد الشریعه که جد بامشکی‌ها می‌شود دیوار به دیوار مسجد بوده است. زمانی که قانون ثبت احوال سال ۱۳۰۵ به نزدیک به مسجد معتمد ساکن بوده است. زمانی که قانون ثبت احوال سال ۱۳۰۵ به تصویب و اجراء رسید نام خانوادگی بامشکی به حاج طاهر و بانو قمر می‌رسد تا خاندان بامشکی‌های عیدگاه از آنجا شکل بگیرد. این خاندان که سابقه حضورشان در محله عیدگاه به بیش از دو بیست سال می‌رسد حالا دیگر در همه شهر پراکنده شده‌اند. سال‌های طولانی است که خانواده بامشکی از این محله رفته‌اند و در دیگر نقاط شهر ساکن شده‌اند؛ ولی هنوز در عیدگاه آن‌ها را به خوبی می‌شناسند و همه آن کسانی که روزی روزگاری در این کوچه بوده‌اند از آن‌ها به نیکی یاد می‌کنند.

سیده نعیمه زینبی‌ا در میان کوچه پس‌کوچه‌های قدیمی که هویت و تاریخ از میان‌شان رخت بسته، در عیدگاه ۱۶، حسینیه‌ای هست که اگر چه از سازه قدیمی آن خبری نیست، تاریخچه‌ای کهن و شنیدنی دارد. تاریخ شکل‌گیری مسجد و حسینیه معلوم نیست اما طبق اسناد خانوادگی و وقف نامه‌های خاندان «بامشکی» حداقل ۱۷۰ سال قدمت دارد. مسجدی که اکنون نیز پذیرای نمازگزارانی است که مسیر عبورشان از عیدگاه می‌گذرد. دو تن از خانواده بامشکی در این گفت‌وگو همراه ما هستند تا صفا‌های از تاریخ پنهان مشهد را به روی ما بکشایند و در باره وقفی حرف بزنند که گرچه موقوفه‌هایش گم شده، هنوز خیر معنوی‌اش به بانی‌اش می‌رسد.

مصیبت سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> می‌شد.

حاج جواد می‌گوید: «من در سال‌های کودکی ام در دهه سی و چهل خاظم هست پدرم (که از طرف مادرش قمر خانم به عنوان تولیت تکیه و مسجد و کیل بود). سفره این افطاری را دو شب در منزلمان پهن می‌کرد.»

### مسجدی که به نام واقفش شد

حاج مهدی خان معتمد الشریعه تولیت تکیه، مسجد و حمام را پس از خودش به پسر بزرگش، ملاغلامحسین، واگذار کرده است. در جایی از وقف نامه حمام گفته شده است که تولیت حمام تا زمانی که واقف زنده است با خود اوست و پس از آن به ملاغلامحسین می‌رسد: «به اولاد اولاد او ذکور و انا تا نسل بعد نسل ما توالد و تناسلوا این عبارت ذکر شده در وقف نامه نشان می‌دهد فرزندان پسر و دختر به چه ترتیب می‌توانند تولیت حمام و در کنارش حسینیه و مسجد را بر عهده بگیرند. پس از ملاغلامحسین نیز فرزندان او به ترتیب شیخ محمد و بانو قمر، تولیت این موقوفه را بر عهده گرفته‌اند. پسر بزرگ قمر خانم، حاج احمد بامشکی، در زمان حیات بانو امور مسجد را بر عهده داشت و پس از آن نیز خود او امور را بر عهده گرفت.

حاج مهدی خان معتمد الشریعه که کشیک سوم حرم بوده، نامش را بر این مکان باقی گذاشته است و اکنون فرزندان قمر السلطان و نوه‌های ملاغلامحسین هستند که یاد او را به نیکی زنده نگه داشته‌اند.

### برگزاری بیش از ۱۷۰ سال مراسم دهه اول محرم

مراسم دهه اول محرم از همان سال هادر این تکیه برقرار بوده و مخارج آن از موقوفات و کمک‌های مردمی تأمین می‌شده است. صورت خرج‌های این مراسم از ۱۴۷۷ سال پیش که به خط سیاق بر ورق‌های زرد کاهی خطاب به سید یوسف امام جماعت مسجد و ملاغلامحسین نگاشته شده، باقی است. خریده‌ها بیشتر برنج، گوشت، ماش، نخود و کنده بوده است تا

عزاداران حسینی اطعام شوند. حمام هم به صورت معمول دست مستأجر بوده که درآمد حاصل آن به مسجد می‌رسیده است. در سند دیگری مبلغ ۶ تومان پول رایج خزانه ناصرالدین شاه‌ی از بابت حمام وقفی به تولیت تحویل داده و امضا گرفته شده است. از این دست اسناد بسیار است که نشان می‌دهد مسجد چه موقوفاتی داشته و به چه مصارفی می‌رسیده است. مراسم دهه اول محرم و اطعام زائران امام رضا<sup>(ع)</sup> در تاسوعا و عاشورای حسینی از همان قدیم تا کنون در مسجد معتمد ادامه داشته است و اکنون باعث گرد هم آمدن خاندان بامشکی و دیگر فامیل وابسته می‌شود.

### موقوفه‌های مسجد و تکیه

چندین موقوفه طی سال‌های ساخت به مسجد واگذار یا درآمد آن به این مکان اختصاص داده شده است. باغ میمی توسط کر بلائی علی، فرزند ملا اسماعیل، در سال ۱۲۲۸ خورشیدی وقف شده و متولی آن امام جماعت وقت مسجد تعیین شده است. یک باب حمام زنانه توسط حاج مهدی خان در همین سال وقف شده است و ملاغلامحسین و اولاد او به عنوان متولی معرفی شده‌اند. درآمد حمام عیدگاه نیز توسط خود واقف حسینیه در سال ۱۲۳۹ خورشیدی برای مصارفی که در بالا ذکر شد به این مکان واگذار شده است. یک در بندکان توسط حاج فریدون سال ۱۲۸۳ خورشیدی، دو مغازه سال ۱۳۱۴ خورشیدی، دو مغازه مرحوم محمد معتمدی سال ۱۳۳۰ خورشیدی و موارد دیگری نیز وقف مسجد و تکیه معتمد شده است.

در نگاه اول این حسینیه باید یکی از سرمایه‌دارترین مساجد و حسینیه‌های مشهد باشد که البته چنین خبری نیست! همه موقوفات متعلق به مسجد در طول این سال‌ها به دلایل مختلف از دست آن خارج شده و فقط وقف نامه آن برای متولی مسجد باقی مانده است. از همین رو این مسجد و حسینیه برای انجام امور معمولی خود نیز دچار مشکل است و برای برگزاری نماز و روضه دهه اول محرم که تا کنون تعطیلی نداشته است از وجوهات مردمی استفاده می‌کند. البته هیئت امنای مسجد همه تلاششان را می‌کنند که املاک این وقف نامه‌ها یا بخشی از آن را به مسجد برگردانند.



محلات منطقه ما:

نهمین: بالا خیابان، پایین خیابان

گوهر «گوهر شاد» هنوز می درخشد

مسجدی که در ۱۱ سال ساخته شد

گوهر شاد یازده سال از عمرش را صرف ساخت مسجدش کرد. وقتی هم ساخت و ساز به پایان رسید، از میان پسرانش که هردو خطاط بودند، بایسنقر میرزا خطاطی ایوان مقصوره را بر عهده گرفت. البته سلطان ابراهیم که از او دو کتاب قرآن به یادگار مانده (یکی در موزه پارس استان فارس و دیگری در آستان قدس نگهداری می شود) چون حاکم شیراز بود، موفق به کتیبه نویسی نشد. گوهر شاد آغا که موفق شده بود در آن زمان بزرگ ترین مسجد را بسازد، درست چهل سال پس از افتتاح مسجدش شبانه به دست برادرزاده شاهرخ به قتل رسید و با دفن پیکرش در مدرسه ای که خودش بانی ساخت آن در هرات شده بود، پرونده زندگی اش برای همیشه بسته شد. با وجود این، هنوز نام او که در مسجد گوهر شاد در دو محل (بالای در نقره ای دارالسیاده و کتیبه ایوان مقصوره) آمده، همچنان زنده است. منابع: تاریخ آستان قدس (عطاردی) و مسجد و موقوفات گوهر شاد (سیدی).

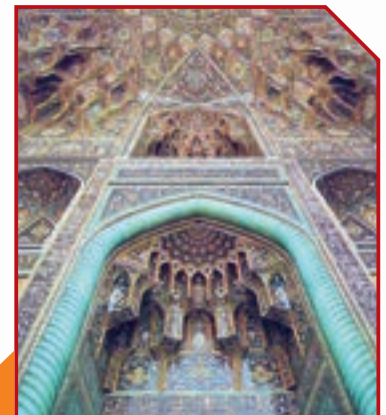
شاهرخ، پسر تیمور، وقتی پاچای او گذاشت، مانند پدرش، همسرانش را در حوزه هنر و معماری آزاد گذاشت. بر این اساس شمار آثار باقی مانده از ملکت آغا بیشتر از دیگر زنان او و آثار بیجا مانده از گوهر شاد آغا هم باشکوه تر از آثار دیگر زنان او است. البته چون گوهر شاد نسبت به دیگر زنان شاهرخ نفوذ بیشتری در برابر او داشت، بهترین معمارها هم در اختیار او بودند. او برای ساخت مسجد گوهر شاد استاد قوام الدین شیرازی را که معمار مشهور عصر تیموریان بود، به کار گرفت. در همان سال های ابتدایی آغاز ساخت مسجد، خان زاده بیگم، مادر گوهر شاد آغا، از دنیا رفت و او مادرش را در جوار حرم مطهر امام رضا (ع) دفن کرد و گویا خودش هم دست داشت خانه ابدی اش در نزدیکی مادرش باشد. اما قتل شبانه دستش را از مشهد کوتاه کرد.

گردآوری - شوشتری انامش رامی توان بانوی زنده تاریخ گذاشت که با گذشت بیش از ۶۵۰ سال از حیاتش، هنوز هم یادش می کنیم؛ بانویی که با کار خیر نامش در ایران ماندگار شد. گوهر شاد آغا وقتی در ۳۳ سالگی پایش به مشهد رسید، هنوز جوهر مهر پادشاهی شاهرخ گورکانی بر پادشاهی ایران خشک نشده بود و خراسان روزهای آشفته اش را سپری می کرد. با وجود این، او با محکم شدن فرمانروایی پسرش سلطان ابراهیم بر شیراز، با خواهر و مادرش راهی مشهد شد و در این شهر کلنگ ساخت بزرگ ترین مسجد را بر زمین زد. او که بر اساس کتیبه های موجود در مسجدش (کلمه «یا علی» و تکرار نام حضرت علی (ع) پس از نام حضرت محمد (ص) در دو طرف پایه ایوان مقصوره) شیعه جعفری بود، دل بستگی اش به امام رضا (ع) را با ساخت مسجدی در قبله گاه حرم مطهر نشان داد.

مدیر عامل: سید میثم موسوی مهر  
سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی  
دبیر شهر آرا محله: فاطمه خلخالی استاد  
دبیر شهر آرا محله منطقه نهمین: فاطمه شوشتری  
تلفن شهر آرا محله منطقه نهمین: ۳۲۲۱۸۲۶۸  
شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹  
دفتر منطقه نهمین: خیابان کاشانی، کاشانی ۱۲، پلاک ۲۳  
پست الکترونیک:  
mahallesamen@shahrara.ir  
کانال شهر آرا محله: @ShahraraMahaleh  
دریافت نسخه الکترونیک شهر آرا محله از:  
shahraranews.ir



مسجد گوهر شاد  
حرم مطهر



باشکوه ترین مسجد مشهد

گنبد و دو مناره برای این فضا طراحی شد. مناره ها در این مسجد ویژگی منحصر به فردی دارند؛ اینکه از روی زمین آغاز می شوند و تا حدود چهار متر ارتفاع دارند. شیوه خاص تزیینات آن هم در کشیدگی الف های «لا اله الا...» و کتابت قصیده ای هجده بیتی در کنار اسماء الحسنی و احادیث پیامبر (ص) است.

شوشتری | امروز با وسعتی که حرم مطهر پیدا کرده است، مسجد گوهر شاد دیگر مجاور خانه های مردم و بازار بزرگ نیست. روزگاری که گوهر شاد خاتون ساخت این مسجد را در مساحت ۹ هزار و ۴۱۰ متر شروع کرد، طبق نقشه های قوام الدین شیرازی چهار ایوان، ۲۶ غرفه، هفت شبستان، یک

کتیبه دور ایوان مقصوره که به خط بایسنقر نوشته شده، آیاتی از سوره توبه است. در این ایوان که مقرنس زیبایی دارد، کتیبه زیادی نوشته شده که بیشترین عبارت به کار رفته «...الباقی» با ۲۱۶ بار تکرار است.



در این مسجد منبری از شاهکارهای منبت منتسب به حضرت صاحب الزمان (عج) قرار دارد که استاد محمد خراسانی در سال ۱۲۴۲ قمری (دوران فتحعلی شاه) با چوب گردو و گللابی بدون به کار بردن میخ ساخته است.

صحن این مسجد از معدود صحن های حرم است که حوض دارد. گویا این حوض از زمان ساخت مسجد بوده و سال های پس از زلزله سال ۱۰۸۴ قمری با آوار ایوان مقصوره پر شده است. البته در دهه ۱۳۳۰ حوض دوباره هشت گوش ساخته شد.

